

مسئولیت مدنی رزمی کاران در سالنهای ورزشی و مسابقات رسمی

(مطالعه تطبیقی در آمریکا و ایران)

احسان لامع*، محسن داورزنی**، رحیم لطفی***

* کارشناس ارشد حقوق تجارت بین الملل، مشاور حقوقی فدراسیون کاراته، مربی رسمی ووشو (نویسنده مسئول) ehsan.lame@yahoo.com

** دکترای حقوق خصوصی دانشگاه خواجه نصیر، مدرس دانشگاه، مشاور حقوقی فدراسیون کاراته davar1730@yahoo.com

*** دکترای حقوق خصوصی، وکیل دادگستری و مدرس دانشگاه. rahimlotfi@hotmail.com

چکیده

گاهی در دادگاهها علیه افرادی طرح دعوی می‌شود که مبارز حرفه‌ای هنرهای رزمی هستند که با استفاده از فنون رزمی آسیب جسمی به شاکس وارد کرده‌اند. این آسیب می‌تواند در داخل باشگاهها به حریف تمرینی وارد یا در خیابان به قصد حمله یا دفاع در برابر یک متعرض یا همچنین در مسابقات رسمی به طرف مقابل وارد گردد. در کشورهایی مثل آمریکا این نوع زد و خوردها رایج است و بیرونده های بسیار زیادی در این زمینه در دادگاهها مطرح می‌گردد. متأسفانه در دادگاههای ایران علاوه بر وجود رضایتنامه شرکت کننده در مسابقه یا تمرینات باشگاهی، دفاعیات رزمی کار آسیب زنده یا مربی تمرینی مورد قبول واقع نمی‌شود و مربیان یا رزمی کارن بسیاری با مجازات سنگین از طرف محاکم ایرانی روبرو بوده‌اند. اما مسئله اصلی این است که چه زمانی این مسئولیت گریبانگیر وی می‌شود، آیا حریف تمرینی باشگاهی می‌تواند علیه وی اقامه دعوی کند؟ آیا در دفاع از خود یا شخص ثالث مسئولیتی علیه رزمی کار متوجه است؟ مقاله حاضر صرفاً پیامدهای مدنی ضربات غیر حیاتی¹ دست‌وپا در خیابان یا در باشگاه را به هنگام تمرین یا حریف یا مسابقات را بررسی می‌کند و پوشش بیمه کامل باشگاهها و مسابقات را به عنوان نتیجه پژوهش پیشنهاد می‌کند.

کلید واژگان: رزمی کاران، مسئولیت مدنی، ورزش، حقوق ایران، کامن لاو، آمریکا

¹ ضربات غیر حیاتی ضرباتی هستند که آسیب بدنی می‌زنند و نه ضربات مهلکی که منجر به مرگ می‌شوند.

فعالیت‌های ورزشی همواره با آسیب‌ها و حوادثی همراه است که برای ورزشکاران مسئولیتی به دنبال دارد. معنای مسئولیت در اینجا آسیب مستقیم ناشی از عملیات ورزشی است. علم به حقوق تعرض و ایراد ضرب و جرح جنبه‌ای از آموزش هنرهای رزمی است که به شدت نادیده گرفته شده است. هر رزمی‌کاری می‌بایست از قواعد رفتاری جامعه شناخت کلی داشته باشد تا بتواند واکنش متعارف نسبت به حمله مهاجم را نشان دهد. بنابراین، معیارهای جامعه را نمی‌توان در آستانه‌ی در سالن‌های ورزشی یا کف‌های رزمی‌کاران تعیین کرد. به دلیل آنکه، قانون در محدوده سالن‌های آموزشی مفاهیم اساسی خود را دارد. در واقع وجود قوانین حقوقی مطلوب نمی‌تواند رفتار شخص را در وسط درگیری‌های خیابانی یا مبارزه در باشگاه کنترل کنند، بنابراین رزمی‌کاران باید از پیامدهای حقوقی ناشی از کاربرد فنون رزمی آگاه باشند و برای فراگیری این قوانین آموزش داده شوند. تا از ورود خسارت به دیگر بازی‌کنان جلوگیری به عمل آید چنانچه خسارتی ایجاد گردد مسئولیت مدنی را به دنبال خواهد داشت (Nurnberg, 2017, p2).

«در دعاوی مسئولیت مدنی در باب ورزشها، تقصیر پایه اکثر دعاوی برای جبران خسارات است و خواهان معمولاً یا یکی از شرکت کنندگان است یا یکی از تماشاگران (جامپیون جونیور، ۱۳۸۸، ص ۱۸)» در خصوص مسئولیت مدنی رزمی‌کاران، این مسئولیت در هر صورت گریبان گیر رزمی‌کاری است که از سر قصد یا بی احتیاطی موجب آسیب بدنی به حریف تمرینی خود یا شخص ناشناسی در خارج از سالن تمرین شده است. اما در سالنهای ورزشی و یا دفاع ورزشکاران از خود یک رفتارها یا ضرباتی متعارف است و رفتار متعارف برای یک رزمی‌کار یا مشت زن با رفتار متعارف سایر ورزشکاران کاملاً متفاوت است. بنابراین ارزیابی تقصیر با توجه به معیار رفتار و اقدامات رزمی‌کار، مستلزم در نظر گرفتن واقعیات و شرایط خاص موجود هر مورد آسیب است. در ورزش «مسئولیت مدنی در جایی حاصل می‌شود که قصد و عمد در کار نیست اما بواسطه فعالیت ورزشی، به دیگری زیان وارد می‌شود (احسنی فروز، ۱۳۹۱، ص ۴۵)».

حوادثی که در پهنه ورزش به وقوع می‌پیوندند از جهت نتیجه، شخصیت مرتکب، زمان و مکان با یکدیگر متفاوتند و نوع مسئولیت قانونی بستگی به این ویژگی‌ها دارد (آقایی نیا، ۱۳۸۸، ص ۲۷).

قوانین ورزشی را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد:

الف: گروهی که به قواعد بازیها اختصاص دارد (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ص ۳). و در واقع قوانین بازی و اجرای درست هرشاخه ای از فعالیت‌های بدنی است؛ مانند اینکه در بازی فوتبال جز دروازه‌بان، بازیکنان دیگر حق ندارند با دست توپ را هدایت کنند. بازی باید در محدوده معین زمین ورزشی جریان یابد و مانند این‌ها (ساریخانی، ص ۲۰).

ب: گروهی که مراقبت‌ها و احتیاط ویژه‌ای را بر بازیکنان تحمیل می‌کند و هدف آنها تأمین ایمنی و پرهیز از خشونت دربازی‌های ورزشی است (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ص ۳).

حقوق مسئولیت مدنی، به گروه دوم تعلق دارد و به مطالعه و تعیین ارزش آنها می‌پردازد؛ اما مسئولیت‌های ورزشی به رابطه ورزشکاران و خساراتی که هنگام مبارزه و مسابقه به بار می‌آید، محدود نمی‌شوند. بخش عمده دیگر آن ناشی از رابطه بازیکنان با مربیان و سازمان‌های ورزشی است و به قراردادهای صریح و ضمنی که در این زمینه بسته شده است ارتباط دارند. به بیان دیگر، در این بخش بیشتر مسئولیت‌ها قراردادی هستند و چون بسیاری از عهدشکنی‌ها در قوانین نیز ضمان آور هستند و به تکالیف عمومی مردم در برابر یکدیگر مربوط می‌شود، زمینه مناسبی برای طرح امکان جمع مسئولیت‌های قراردادی و قهری و اختیار زیان‌دیده در انتخاب مبنای دعوی خسارت به وجود می‌آورند (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ص ۳).

در این مقاله صرفاً پیامدهای مدنی ضربات غیرحیاتی^۲ دست و پا در خیابان یا در باشگاه به هنگام تمرین با حریف بررسی می‌شود و نه مسئولیت کیفری آن. تفاوت بین حقوق کیفری و مدنی نسبتاً واضح است. مسئولیت کیفری تعقیب قضایی تخلف یا خطایی است که شخص مرتکب می‌شود. هدف اولیه دادرسی کیفری حمایت مردم در برابر تخلف مجرم یا حذف وی از جامعه است (Prosser, 1981, p7-8). همچنین در این مقاله با الگوبرداری از قوانین کامن لاء و به مسئولیت‌های احتمالی ناشی از این فعل‌ها پرداخته خواهد شد و به این سؤال پاسخ خواهد داد که رزمی‌کاران در برابر آسیبهایی که بر اثر تمرین با حریف و یا دفاع از خود در خیابان به شخصی

از ضربات غیر حیاتی ضرباتی هستند که آسیب بدنی می‌زنند و نه ضربات مهلکی که منجر به مرگ شوند

وارد می کنند، از چه مسئولیت مدنی برخوردارند؟ در حقوق ایران فرض بر این است که هر کس بدون عمد یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد. اما آیا این موضوع در سالنهای ورزشی و یا در زمان دفاع از خود نیز صادق است؟

۲. مفاهیم

۱.۲. رزمی کاران^۳

به افرادی اطلاق می شود که در زمینه هنرهای رزمی فعالیت دارند. هنرهای های رزمی قدمتی دیرینه داشته و ترویج آن در تمام دنیا روز افزون است.

۲.۲. هنرهای رزمی^۴

هنرهای رزمی نظامی از سنت روش مبارزه است که امروزه به دلایل مختلف از جمله دفاع از خود، رقابت، تندرستی و پرورش فکری و فیزیکی و روحی تمرین می شود. عبارت هنر رزمی از واژه لاتین Arts of Mars گرفته شده است (Round, 2013, p3).

۳.۲. دفاع از خود^۵

دفاع از خود تمرین مهارتهای رزمی برای بقا در شرایط نزاع و درگیری خیابانی است که رزمی کاران از حرکات دست و پا برای دفع ضربه و ضد حمله استفاده می کنند.

۴.۲. مفهوم مسئولیت مدنی در ورزشی

در یک بیان کلی می توان گفت: « در هر مورد که شخص ناگزیر از جبران خسارات دیگری باشد، می گویند در برابر او مسئولیت مدنی دارد. (کاتوزیان، ۱۳۶۹) » مسئولیت مدنی یا به موجب قرارداد می‌باشد یا خارج از قرارداد. این تعریف مسئولیت قراردادی به علت عدم اجرای تعهدات و عدم وفای به عهد که ناشی از عقد قرارداد فی‌مابین است یعنی فردی که به تعهدات و عهد خود وفا نمی‌کند و به این طریق باعث ضرر به غیر یا طرف قرارداد می‌گردد مکلف است از عهده خساراتی که در این رهگذر حاصل گردیده برآمده و ضامن است یعنی مسئولیت ناشی از قرارداد عبارت از تعهدی است که متخلف از مفاد قرارداد مکلف به انجام آن می‌باشد، مانند یک مربی کشتی که متعهد به آموزش فنون

کشتی به یک نوجوان بوده و در نتیجه عدم مراقبت و بی احتیاطی او نوجوان مصدوم شده است مربی در برابر نوجوان و والدین وی مسئول بوده و مکلف به جبران خسارت وارده است.

در مورد مسئولیت های خارج از قرارداد یا بدون قرارداد این که قراردادی فی‌مابین وجود نداشته و دو نفر هیچ تعهدی نسبت به یکدیگر نداشته‌اند و حال یکی از دو نفر عمداً یا بدون خطابه دیگری زیان وارد ساخته است. در اینجا بدون توجه به نبودن قرارداد چون به دستور قانون عملیات ورزشی بایستی با رعایت مقررات و موازین خاص خود اجرا شوند و در نتیجه تخلف یک ورزشکار مقررات نقض شده به حکم قانون خاطی مسئول خسارات ناشی از صدمه وارده به ورزشکار یا دیگران است درحالی که هیچ قرارداد یا پیمان‌نامه‌ای هم وجود ندارد نتیجه این که در صدمات بدنی ناشی از خطا یا تخلف چه قرارداد باشد یا نباشد جبران خسارت بر عهده کسی است که در اثر تقصیر و بی احتیاطی و بی‌مبالاتی وی ایجاد خسارت شده است (چلبی، ۱۳۸۹، ص ۴۲).

فعالیت ورزشی چنان با صدمه و آسیب آمیخته است که تنها راه گریز از آن خانه نشینی است و از اینرو، حقوق یا باید انجام آنها را اجازه بدهد یا بهطور کل ممنوع سازد. ممنوعیت به دلایلی که گفته شد ناممکن است، پس باید راه دوم را برگزید. راه اخیر نیز تنها مسئله خطرهای ذاتی را ندارد، بلکه در هر دعوایی که راجع به مسئولیت ورزشی مطرح شود، خواننده به پذیرش خطر از سوی زیان‌دیده متوسل میشود و این خود به پیچیدگی مسائل میافزاید. به این ترتیب، قواعد مسئولیت مدنی در زمینه حوادث ورزشی بنابه مقتضیات پیشگفته باید انعطافپذیر باشند تا این گفته ساوینی که حقوق رخدادها را در برابر خود خم می‌کند و خود در برابر آنها خم نمی‌شود اینجا تا اندازه‌های وارونه شود (رضایی نژاد، ۱۳۹۵، ص ۵۳۴).

۳- مسئولیت مدنی مربوط به هنرهای رزمی

۱-۳- ضرب و جرح^۶

هرگونه رفتاری که به دیگری صدمه وارد نماید ضرب و جرح نامیده می‌شود و از مسئولیت مدنی برخوردار است که می‌بایست جبران گردد. مسئولیت مدنی مربوط به هنرهای رزمی، ضرب و جرحی است که جسم شخص دیگر را با قصد و بدون رضایت وی لمس می‌نماید. در اینجا

^۶. Battery

^۳. Martial Artists

^۴. martial arts

^۵. self-defence

قصد مشمول سوءنیت نیست، بلکه صرفاً فعل ارادی لمس شخص است. ممکن است شخصی به شوخی اقدام به لمس جسم دیگری کند و مرتکب ضرب و جرح گردد. یا به طور تصادفی جسم شخص دیگر را لمس کند، قصدی نداشته است. باین حال، اگر شخصی فردی را که در سالن تمرین سر راهش قرار می‌گیرد، هل دهد، در این تماس قصد داشته باشد و مرتکب ضرب و جرح شده باشد دارای مسئولیت مدنی است (Nunberg, p2).

در حیطه ورزش آنچه اهمیت دارد و مورد نظر است شبه جرم است، به عبارتی بیشتر صدمات و آسیب‌هایی که در حیطه ورزش رخ می‌دهد حوادث غیر عمدی و در اکثر موارد بی‌مبالاتی هستند که عمداً قصد آسیب رساندن به شخص دیگری را ندارند. به طور کلی اگر آسیب رساندن با قصد قبلی باشد به طوری که همراه با خصومت و خشونت باشد جرم محسوب شده و دارای مسئولیت است به عبارت دیگر در مواردی که ورزشکاری به ورزشکار دیگر صدمه وارد می‌کند، باید تفکیک قائل شد و گفت اگر فعل ورزشکار در هنگام آسیب رساندن به ورزشکار از روی قصد بوده باشد، وی را می‌بایست طبق ماده یک قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ مسئول صدمات وارد شده دانست. دانست. ماده ۱ مقرر می‌دارد: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتنی یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد».

۲-۳- رضایت ورزشکار

رضایت تمایل شخصی است که فعل متوجه وی شده است. رضایت نیاز نیست که صریحاً به صورت لفظی اعلام گردد، بلکه ممکن است به صورت ضمنی نیز باشد یعنی از طریق رفتار و عمل شخص ابراز شود. در عالم حقوق رضایت مجنی علیه اصولاً تأثیری در مجرمیت مرتکب ندارد ولی در عالم ورزش این رضایت یک استثنا محسوب می‌شود در واقع، رضایت ورزشکار به معنای قبول خطرات و نتایج زیان‌بار متعارف در ورزش است. برای مثال در ورزش‌های رزمی، شرکت فرد (در تمرینات مبارزه و مسابقات) دلیل بر رضایت او بر وقوع ضرب است (اردبیلی، ۱۳۹۳). اما این ضرب باید بدون قصد مجرمانه باشد تا موجب مسئولیت برای ورزشکار نگردد. در غیر این صورت طبق ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی خسارت وارده است. عبدالحسین علی‌آبادی ضمن طرح بعضی نظرها که رضایت مجنی علیه را علت موجهه حوادث ورزشی می‌دانند معتقد است: «بهترین توجیه عدم

مجازات مشت‌زن و کلیه اشخاصی که در اثنای عملیات ورزشی مرتکب جرح می‌شوند اجازه قانون است (عبدالعلی آبادی، ۱۳۹۲)» در حوزه ورزش، خشونت معقول و معمولی که رخ می‌دهد تابع قوانین ورزش مربوط بوده و رضایت ضمنی شرکت‌کنندگان را به دنبال دارد. رضایت ضمنی شکلی است که شخص را ملزم می‌کند تا به طور معقول به رفتارهایی از شخص استناد کند که بیانگر اشتیاق آن شخص به فعل ارتكابی است. باین حال به نظر نمی‌رسد هیچ‌کس نسبت به وارد آوردن صدمه بدنی شدید رضایت داشته باشد (شعبانی مقدم، ۱۳۸۸، ص ۵۳).

اگر شخصی صراحتاً رضایت به فعل را اعلام کند، اما قلبی راضی نباشد، نمی‌تواند بعداً بگوید که رضایت قلبی نداشته است. وی نمی‌تواند به عدم رضایت ذهنی خود استناد نماید در حالی که رفتار واقعی است کاملاً متناقض و گمراه‌کننده بوده است.^۷

سکوت نیز در باشگاه‌ها و تمرینات ورزشی و یا حتی در برخی نزاع‌ها می‌تواند علامت رضایت ضمنی باشد، مگر اینکه شخصی معقولی به گونه‌ای دیگر نظر دهد. مثلاً اگر کسی به تهاجم دیگری اعتراض نکند، نمی‌تواند دلیل بر رضایت باشد بلکه می‌توان بر آن دلیل روانی نهاد. باین حال فرد مهاجم از فعل خود بهره می‌برد (Prosser, p 103). حیطه رضایت نمی‌تواند فراتر از معنای متعارف آن در اوضاع و احوال باشد. برای مثال، رضایت در زمان رجوع به یک پزشک جهت معاینه فیزیکی ضمنی است. همین‌طور وقتی شخص به تیم فوتبالی می‌پیوندد، رضایتش ضمنی است. می‌توان چنین فرض کرد که این فرد به قوانین بازی آشنا است و اگر در خلال بازی دچار آسیبی شود، نمی‌تواند ادعا کند که رضایت بر خود نداشته یا می‌تواند بازی را ترک کند. در هر حال رضایت خواه واقعی یا ضمنی نمی‌تواند فراتر از معنای متعارف آن باشد. بنابراین پزشک معالج مجاز به فعل ناشایست نیست. خطای بازیکن فوتبال نمی‌تواند خشن یا به نقاط حساس بدن باشد (Nunberg, p4).

هاویر و جمیز مولقین رساله حقوق مسئولیت مدنی در خصوص رضایت در فعالیت‌های ورزشی این‌گونه می‌نویسند:

«همواره ضرورتی ندارد که شخصی نسبت به آسیب زدن به خود رضایت دهد، کافی است او بداند که رضایت به فعالیت ورزشی احتمال آسیب جسمی را به همراه خواهد داشت. بنابراین هرگاه شخصی در بازی یا ورزشی شرکت کند که در آن احتمال برخورد‌های بدنی مانند مسابقات

^۷ . Consent in Criminal Law: Violence in Sports, 75 Mich. L. Rev. 148, 150 n. 12, 162

بوکسی وجود داشته باشد، وی ریسک آسیب‌های جسمی را که تقریباً از ناحیه حریف متوجه وی شده را، می‌پذیرد. در واقع هر بازیکنی که در رویداد ورزشی شرکت کند. خودش خطرات احتمالی رویداد را به‌عنوان بازیکن پذیرفته است و حق مطالبه جبران آسیب وارده در خلال بازی را ندارد، مگر اینکه خشونت ناروا یا بازی ناعادلانه‌ای از طرف دیگران متوجه وی گردد (Harper and F. James, 1956, p233).

۳-۳- مفاهیم علمی در باشگاه‌ها و مسئولیت رزمی‌کار

در باشگاه‌ها، اکثریت برخوردارهایی که بین ورزشکاران در اجرای فنون دفاع از خود یا تمرین مبارزات صورت می‌گیرد، اقامه دعوی را به دلیل رضایت صریح یا ضمنی آن‌ها توجیه نمی‌کند. با این حال، حدود رضایت نمی‌تواند فراتر از حدود متعارف آن مطابق اوضاع و احوال باشد. این میزان از رضایت در سالن تمرین معمولاً تحت کنترل استاد یا مربی است. رزمی‌کار ضمن آگاهی از قوانین رفتاری باشگاه و رسمی دانستن آن‌ها و همچنین با رعایت آداب در خور و مناسب باید در تمرینات کوشا و جدی باشد. این امر از لحاظ تاریخی به مفهوم بوشیدو^۱ یعنی «سلوک مبارز» قرن دوازدهم فتودال‌های ژاپن برمی‌گردد (Dräger and Smith, 1974). رزمی‌کاران آن دوران ضمن تمرین مهارت‌های رزمی دارای قوانین تعریف‌شده رفتاری بودند.

یک شرایط فرضی را در نظر می‌گیریم. شخص الف با شخص ب توافق می‌کند که باهم حرکات دفاع در برابر چاقو تمرین کنند. شخص ب به ضربه چاقو را به سمت شخص الف اجرا می‌کند. شخص الف با دست اقدام به دفاع و دفع ضربه می‌کند که چاقو به دستش فرو می‌رود. شخص الف نمی‌تواند علیه شخص ب اقامه دعوی کند، چون به‌صراحت به تمرین رضایت داده و می‌بایست پیامد تمرین را بپذیرد.

حال فرض کنید شخص الف با شخص ب توافق به تمرین دفاع در برابر چاقو می‌کنند. اما شخص ب به‌جای استفاده از چاقو برای حمله از قمه استفاده می‌کند و موجب جراحت شخص الف می‌شود. این درحالی است که شخص الف به استفاده از قمه رضایت نداده بود. از طرف دیگر در چنین موقعی شخص الف به‌عین دیده که شخص ب با قمه به سمت او حمله می‌کند و همچنان ساکت مانده و اعتراضی نسبت به آن نداشته است، از آنجایی که این سکوت علامت رضای شخص الف بوده است، هیچ مسئولیتی متوجه شخص ب نیست.

حال فرض می‌کنیم که شخص ب با چاقو به شخص الف حمله کرده و شخص الف توانسته است با موفقیت در برابر چاقو دفاع کند و در عین حال دست به ضد حمله زده است. شخص ب هم در برابر ضد حمله بی‌حرکت

ایستاده است. در ادامه شخص الف ضربه خود را کنترل نمی‌کند و با ضربه پا به بیضه حریف (شخص ب) می‌زند و حریف از درد به خود می‌پیچید.

در آمریکا، در چنین شرایطی اگر در سالن ورزشی و زیر نظر استاد مربوطه تمرینات بدین شکل مرسوم و مجاز باشد و شخص ب از آن مطلع باشد، آن وقت وی رضایت به چنین ضربه‌ای داشته است. با این حال، در باشگاه‌هایی که خشونت در تمرینات به این شکل رایج است، خلاف عرف عمل می‌کنند و هرچند رضایت یک رزمی‌کار اقامه دعوی مدنی را معاف می‌کند، اما ممکن است چنین ضد حمله‌ی خشنی مسئولیت کیفری را به همراه داشته باشد (Nunbeg, p7).

در فرض دیگری می‌توان گفت که شخص الف و شخص ب باهم تمرین می‌کنند و قرار است ضربات آرام و سبک در برابر یکدیگر به کار ببرند. در همین حال، تعادل یکی از حریفان به هم می‌خورد و ضربه سنگینی به حریف مقابل می‌خورد. در این حال حریف مقابل باید این خطر را بپذیرد که در تمرینات دفاع از خود چنین اتفاقاتی می‌تواند بیفتد و باید یاد گرفته باشد که بتواند در برابر این ضربات از خود دفاع کند.

در ورزشهایی چون بوکس و کاراته وارد کردن ضربه از قوانین بازی است و به همین علت نمی‌توان وارد کردن این ضربات را جرم و موجب ضمان دانست از یک سو وارد کردن این ضربات در غالب ورزشهای خشن جزء قواعد بازی این نوع ورزشها است و از سوی دیگر هر دو ورزشکار به ورود این ضربات آگاهند و بصورت ضمنی به آن رضایت داده‌اند و این گونه استنباط میشود که این اشخاص با شرکت در چنین ورزشهایی خطرهای متعارف را جز خطرهای شدید پذیرفته‌اند (احمد یوسفی صادق‌لو، مژگان نصیری، ۱۳۹۷، ص ۳۱-۳۲)

۳-۴- شرایط خیابانی

بسیاری از حرکات ورزشی نسبتاً جایز و بی‌اشکال‌اند و نمی‌توان آن‌ها را در هر زمان و مکانی به کاربرد زیرا این اقدام موجب می‌شود که ورزشکار در پوشش ظاهراً ورزشی به هر اقدامی دست بزند و به اهداف مجرمانه‌اش دست یابد چنانچه فردی از این‌گونه اقدامات استفاده نماید طبق ماده ۵ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ مسئولیت دارد. ماده ۵ قانون مسئولیت مدنی مقرر می‌دارد: «اگر در اثر آسیبی که به بدن یا سلامتی کسی وارد شده و بدن او نقصی پیدا شود یا قوه کار زیان‌دیده

^۱. Bushido

کم گردد و یا از بین برود و یا موجب افزایش مخارج زندگانی او بشود واردکننده زیان مسئول جبران کلیه خسارات مزبور است...»

از آنجایی که در وضعیت درگیری‌های خیابانی، از رضایت حریفان خبری نیست. اگر رزمی‌کار مهاجم را خلع سلاح و جراحت بدنی به وی وارد کند، در بسیاری از نظام‌های حقوقی دفاع از خود تلقی می‌شود. مفهوم حقوقی دفاع از خود به شخصی که مورد حمله واقع می‌شود، اجازه می‌دهد تا اقدام متعارفی در ممانعت از آسیب به وی که فرصتی برای توسل به قانون ندارد، به عمل بیاورد (Prosser, p 110). این امتیاز به قربانی حمله اجازه می‌دهد تا از قدرت متعارف خود برای جلوگیری از هرگونه تهدید آسیب‌زا یا برخوردی که منجر به جراحت بدنی می‌شود، استفاده کند (Nunberg, p4).

۵-۳- دفاع در برابر حملات ناگهانی و خطرناک

موضوعات مربوط به دفاع از خود بسیار پیچیده تر از تصورات ما است. رزمی کار به هنگام اعمال فنون دفاع از خود به دلیل آموزشهایی که دیده اند، از مسئولیتهای حقوقی مختلفی در آمریکا برخوردارند (Brown, 1998, p66). از خطری را که رزمی‌کار در زمان حمله به وی به‌طور متعارف درک می‌کند باید دفع کند و بعداً بر اساس شواهد و ادله‌ی موجود علل دفاع مشخص شوند. مثلاً اگر مهاجم دست‌به‌جیب ببرد و رزمی‌کار بترسد که مهاجم می‌خواهد چاقو در بیاورد، ضربه‌ی بازدارنده‌ای به سمت مهاجم حواله کند، ضربه‌ی وی می‌تواند به‌منزله‌ی دفاع از خود تلقی شود، حتی اگر مهاجم چاقو یا هرگونه سلاح سرد دیگری نداشته باشد. اما تصور رزمی‌کار باید مبتنی بر زمینه‌های معقولانه باشد و به‌صرف تخیل و گمان نمی‌توان عمل کرد. احراز معقولانه پنداشتن عمل دفاع با توجه به اوضاع و احوال بر عهده‌ی قاضی است. عواملی مانند شرایط ذهنی و عصبی قربانی، سابقه رفتاری مهاجم، رفتار تهدیدآمیز مهاجم و گاهی شهرت وی شواهد و ادله‌ای است که قاضی بر اساس آن‌ها تصمیم می‌گیرد.

در خصوص دفاع از خود، هم در حقوق کامن لا و هم قوانین بدون در خصوص کاربرد نیروی متعارف شرایط ۱. دفاع از خود، ۲. دفاع از شخص ثالث و ۳. دفاع از ملک خود اجماع وجود دارد

در حقوق کامن لا چنانچه قربانی در دفاع از خود ضربه‌ی ای به مهاجم بزند، باید از نیروی متعارف استفاده کند. این دفاع می‌تواند در خصوص جلوگیری از یک جنایت یا دفاع از شخص ثالث نیز صدق کند. کاربرد نیروی متعارف یا مجاز در کمک به شخصی که تهدید به حمله می‌شود، نیز توجیه پذیر است. در پرونده دافی علیه کیوبی^۱ در سال ۱۹۶۷

دادگاه حکم داد که استفاده متهم از نیروی متعارف برای دفاع از خواهرش قابل توجیه است و تبرئه می‌شود و این به خاطر خواهر بودن آن‌ها نیست، بلکه آزادی عمل برای جلوگیری از جرم در میان هر شخص و بیگانه‌ای وجود دارد (Round, p19).

با توجه به ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی هرگاه فردی در مقام دفاع از نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز یا خطر فعلی یا قریب‌الوقوع با رعایت مراحل دفاع مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود، مجازات نمی‌شود.

مطابق قانون جدید، دفاع مشروع باید مستند به قرائن معقول یا خوف عقلایی باشد؛ بنابراین در صورتی که حسب ادله و قرائن موجود خوف آن باشد که عملیات مجرمان موجب قتل یا جرح یا تعرض به عرض یا ناموس شود، دفاع جایز است. به عبارت دیگر برای تحقق دفاع مشروع باید دفاع، مقارن تجاوز و خوف عقلایی باشد و در ماده ۵۵۶ قانون جدید مجازات اسلامی به صراحت به قرائن معقول و خوف عقلایی اشاره کرده است.

دفاع مشروع برطرف کردن تعدی (تجاوز) از خود یا دیگری است (مهر، ۱۳۹۵، ص ۱۸). دیگری ممکن است شخص طبیعی یا شخص حقوقی به ویژه جامعه و امت اسلامی باشد. دفاع، حق طبیعی هرکسی است و فقیهان و حقوقدانان با افزودن وصف مشروع (قانونی) بر واژه‌ی دفاع، ضمن پذیرش این حق طبیعی بر این نکته تأکید می‌کنند که دفاع با شرایطی مجاز است و هیچکس نمی‌تواند به بهانه‌ی دفاع مشروع و در پوشش آن به دیگری تجاوز کند (قاسم زاده، ۱۳۷۸، ص ۹۶).

دفاع مشروع یکی از عوامل توجیه کننده و برطرف کننده‌ی تقصیر است که مسئولیت را نیز برطرف می‌سازد. علت تجویز دفاع مشروع تأمین امنیت جانی و مالی افراد و اشخاص از طرف قانونگذار است؛ زیرا هنگامیکه شخصی مورد هجوم دیگری قرار می‌گیرد و جان یا مال او یا دیگری در معرض خطر و آسیب قرار می‌گیرد، طبیعتاً تأمین، دادن حق تأمین متعادل و متناسب به شخص مورد حمله یا دیگری است؛ که بتواند از خود یا شخص مورد حمله، دفع خطر نماید. در سیستم‌های مختلف حقوقی حق دفاع، هم در حوزه‌ی مسئولیت کیفری و هم در حوزه‌ی مسئولیت مدنی به اشخاص داده شده است. (پیشین ص ۱۹)

۱. Duffy vs Q.B

۱-۶-۳- میزان نیروی مجاز کاربردی در دفاع از

خود

میزان نیروی ضربات رزمی کار در دفاع از خود نامحدود نیست. اما این میزان باید در حد معقولانه به گونه‌ای باشد که برای دفاع در برابر آسیب احتمالی لازم است. کاربرد نیروی گزاف در برابر مهاجم، برای رزمی کار مسئولیت مدنی را طبق ماده ۱۵ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ « کسی که در مقام دفاع مشروع موجب خسارت بدنی یا مالی شخص متعددی شود مسئول خسارت نیست مشروط بر اینکه خسارت وارده برحسب متعارف متناسب با دفاع باشد.» به همراه دارد.

احتمال دارد که مهاجم پس از حمله اولیه کنار کشیده و قصد حمله مجدد نداشته باشد و در صورتی که رزمی کار با درک چنین چیزی همچنان به ایراد ضربات دفاعی بپردازد، در این حالت خودش مهاجم تلقی می‌شود. آن وقت وضعیت حالت عکس به خود می‌گیرد و مهاجم اولیه قربانی تلقی می‌شود و قوانین دفاع از خود ناظر حال وی می‌گردد.

بنابراین رزمی کار در مواقع مواجهه با مهاجم مسلح باید ضربه خود را کنترل شده بزند و میزان نیروی ضربه وارده برابر با میزان نیروی حریف مهاجم یا حریف باشد. یعنی عمل دفاعی بایستی با تجاوز و خطر متناسب باشد و مدافع مجاز نیست برای دفع خطر از هرگونه نیرو به هراندازه‌ای استفاده کند در واقع عمل دفاعی متناسب است که از کمترین مقدار زور و قدرت لازم و کافی برای دفع خطر استفاده شود. هرگاه فرصت کافی برای برآورد میزان نیروی ضریب مهاجم نباشد یا نتوان برآورد صحیحی کرد، آن وقت این شیم آموزشی دفاع یا گرایش طبیعی رزمی کار برای دفاع از مظلوم از دید قاضی نباید پنهان بماند. بار دیگر مسئله‌ی درک معقوق در اوضاع و احوال پیش می‌آید و فقدان زمان برای برآورد و درک صحیح از میزان نیروی کاربردی ممکن است در ذهن قاضی تعیین کننده باشد.

نیروی متعارف در حیطه‌ی دفاع از خود چنین تعریف می‌شود: «کاربر نیروی کافی بر توقف و کنترل رویدادی که رزمی کار در دفاع از خود صادقانه آن را ضرورت می‌داند. نیروی متعارف عبارت بسیار مهم در دفاع از خود هم در طول رویداد و هم بعد از آن است (Round,p20)»

اگر محاکم کامن لاو به این نتیجه برسند که متهم از نیروی زیاد در زمان دفاع استفاده کرده است، مدافع را مجرم می‌شناسد.

۷-۳- تکلیف به عقب‌نشینی

در خصوص عقب کشیدن در مواقعی که حمله مرگبار یا جدی متوجه شخصی می‌شود، قوانین مختلفی وجود دارد. یکی از ایمن‌ترین

گزینه‌های قربانی برای در امان ماندن گریختن است. در محاکم ایالات‌های مختلف آمریکا رویکردهای مختلفی نسبت به این دیدگاه اتخاذ شده است. در ایالت‌های جنوبی و غربی آمریکا شأن و مقام فرد مورد احترام واقع شده و معتقدند که شخص با توجه به شأن شخصی می‌تواند در برابر حمله مقاومت کرده و متقابلاً آسیب‌های بدنی و حتی در مواقع لازم ضربات مرگبار وارد نماید. در سایر قلمروهای قضایی مانند نیویورک تصریح شده است که شأن شخصی نمی‌تواند فعل ایراد ضرب و جرح به مهاجم را توجیه کند و قربانی می‌بایست تا جایی که می‌تواند عقب‌نشینی کند. عموماً تکلیفی بر عقب‌نشینی در خانه قربانی وجود ندارد. خانه شخص به مانند دژ می‌ماند و هرگاه مورد حمله سنگینی در خانه واقع شود، نیازی به عقب نشینی نیست و می‌تواند از خود و خانواده‌اش دفاع کند (Beale,1903,p82).

۱-۷-۳- عقب‌نشینی

یک رزمی کار پیش از دفاع باید عقب نشینی کند و همواره بهتر است خود را از شرایط خطرناک دور سازد تا اینکه وارد درگیری فیزیکی گردد. این موضوع از جنبه قانونی هم در کامن لاو اعتبار دارد. در پرونده جولین در سال ۱۹۶۹ دادگاه حکم داد که عقب نشینی پیش نیاز احراز دفاعیه دفاع از خود است. رزمی کار باید با اعمالش نشان دهد که قصد مبارزه نداشته است.

۸-۳- در حمایت از دیگران

در دفاع از دیگران هم می‌تواند به عنوان دفاعیه تلقی شود. به عبارتی یک رزمی کار می‌تواند از دیگران در برابر مهاجم دفاع کند بار دیگر در محاکم ایالت‌های مختلف آمریکا اختلاف نظر وجود دارد و در ایالت نیویورک کو برخی قلمروهای قضایی این دفاعیه را نمی‌پذیرند. این موضوع در پرونده‌ای در نیویورک واضح‌تر بیان گردید: رزمی کاری برای دفاع از شخص ثالثی با دو مهاجم درگیر می‌شود. قصد او کمک به شخص ثالث در برابر مهاجمین بوده است. اما این دو شخص پلیس از آب درآمدند که قصد دستگیری شخص ثالث را داشتند رزمی کار خواننده محکوم شناخته شد. با این توضیح حمله وی به دو شخص با عنوان دفاع از شخص ثالث غیرقابل توجیه است (Nunberg,p6). زیرا دفاع از دیگری زمانی جایز است که یکی از شرایط ذیل را داشته باشد:

۱. از نزدیکان دفاع کننده باشد.
۲. مسئولیت دفاع از وی بر عهده دفاع کننده باشد.
۳. خود فرد ناتوان باشد.
۴. فرد تقاضای کمک کرده باشد.

۵. در وضعیتی باشد که فرد امکان استمداد نداشته باشد.

در صورت وجود یکی از شرایط فوق دفاع از دیگری جایز است.

۹-۳- تعرض ۱۰ و ضرورت آگاهی از آن

تعرض یا «تهدید به ایراد ضرب و جرح» عموماً از جانب مردم عادی و حقوقدانان به خوبی فهمیده نشده است. تعرض به عنوان یک شبه جرم (یا تخلف مدنی) با ضرب و جرح^{۱۱} متفاوت است. در ضرب و جرح برخورد فیزیکی روی می‌دهد. رزمی کار یا درک این آسیب فیزیکی در صدد دفاع و حمایت از خود در برابر ضربات احتمالی حریف برمی‌آید. برعکس ضرب و جرح، در تعرض برخورد فیزیکی از جانب مهاجم متوجه قربانی نمی‌شود. به عبارتی دیگر در قانون شبه جرم، «تعرض» یا «تهدید به ایراد ضرب و جرح» به عملی اطلاق می‌شود که باعث ایجاد هراس منطقی از آسیب قریب‌الوقوع شود. از آنجایی که تعرض، عملی قصدی است، این عمل برخلاف شبه جرم، غفلت^{۱۲}، جزو شبه جرم‌های عمدی به حساب می‌آید و عدم توانایی فرد در عملی ساختن تهدید، از بار حقوقی آن نمی‌کاهد.

تعرض به معنای تماس بدنی نیست. مشت بسته با حالت تهدید برای حمله و پرتاب مشت به سمت شخص حتی در صورت عدم اصابت «تعرض» تلقی می‌شود. در تعرض حتماً لازم نیست که به طرف مقابل آسیب وارد شود بلکه هراس ایجاد شده برای قربانی، آسیب تلقی می‌شود. حرکات و ایما و اشاره بدنی و یا استفاده شخص از شیئی برای تهدید و ایجاد برخورد قریب‌الوقوع، باعث ایجاد هراس در قربانی می‌شود. برای مثال، گرفتن تفنگ به سمت قربانی و کشیدن ماشه تعرض به حساب می‌آید، اگرچه تفنگ پر نباشد.

تهدید به چنین برخوردی به همراه توانایی و فرصت مهاجم برای به اجرا گذاشتن این تهدید لازمه حمله است. هر چند برخورد فیزیکی در تعرض روی نمی‌دهد، قانون بیشتر با قصد مهاجم سروکار دارد تا به علائم لازم به حمله توجه کند. مهاجم باید قصد کرده باشد یا قربانی را نسبت به حمله فیزیکی به تردید انداخته باشد و قربانی را از آن تهدید آگاه نموده باشد. بنابراین اگر قربانی از پشت مورد حمله واقع شد، بی‌آنکه هشداری دریافت کند ضربه‌ای به سرش خورده باشد، او در برابر این حرکت مهاجم واکنشی نشان می‌دهد. با این حال، اگر مهاجم با حالت تهدیدآمیز از نقطه

مقابل قربانی به وی حمله ور شود و ضربه‌ای در برابر دیدگان قربانی به سمتش روانه کند، شیوه نزدیک شدن حمله و اصابت ضربه فعل ضرب و جرح را شکل می‌دهد. قربانی محق مطالبه خسارات ناشی از ضربه تهدیدآمیز (تعرض) و درد و جراحت ناشی از ضربه وارده (ضرب و جرح) است (Noah Nunberg, p3).

قربانی باید بداند که حریفش قصد حمله به وی دارد. بنابراین شخص ناهشیار نمی‌تواند ادعای تعرض کند، اما پس از هشجاری می‌تواند ادعای ضرب و جرح نماید.

اگر قربانی با ضربه اول بی‌هوش شود و سپس مورد ضرب و شتم واقع شود، وی می‌تواند با توجه به آثار باقی‌مانده از ضرب و شتم که در واقع ندیده طرح دعوی کند، برای ضربه اول می‌تواند هم ادعا حمله عادی و هم ضرب و جرح کند که باعث بیهوشی او شده است.

۱۰-۳- سو رفتار بی پروایانه^{۱۳}

ضمن اینکه تعرض و ضرب و جرح مسئولیت مدنی اصلی به حساب می‌آیند که رزمی کار با آن مواجه می‌گردد، وی ممکن است در قبال بد رفتاری بی پروایانه حتی اگر حریف تمرینی او رضایت داشته باشد، مسئول باشد. هر چند قانون حاکم بر کشورهای کامن لاء و کشورهای دارای قوانین مدون ورزشکاران را مجاز به اعمال رفتارهای ناشی از بی‌مبالاتی^{۱۴} نموده تا حاشیه امنی برای شرکت‌کنندگان فعالیت ورزشی ایجاد کند، اما چنانچه این رفتار از بی‌مبالاتی خارج گردد و وارد قلمروی بی‌پروایی (تقصیر) وارد شود، تفاوت بین سوء رفتار بی پروایانه با سوء رفتار سهل‌انگارانه که در واقعیت ابهام دارند، در بحث زیر مشخص می‌شود.

در پرونده جک رابیت علیه شرکت سینسیناتی بنگالز^{۱۵} در سال ۱۹۷۹ دلیل هاکبارت^{۱۶} دفاع تیم دنور برنکو^{۱۷} از تیم بنگالز و دفاع آن چارلز کلارک^{۱۸} به دلیل آسیب‌دیدگی در رقابت حرفه‌ای فوتبال طرح دعوی کرد. بعد از آن که هم تیمی هاکبارت پاسی را که به کلارک انداخته بودند، متوقف می‌کند، هاکبارت تلاش می‌کند یا انداختن خود جلوی کلارک مانع او

^{۱۵}. Jackrabbit v. Cincinnati Bengals, Inc.

^{۱۶}. Dale Hackbart

^{۱۷}. Denver Bronco

^{۱۸}. Charles Clark

^{۱۱}. Assault

^{۱۲}. Battery

^{۱۳}. Negligence

^{۱۴}. Reckless Misconduct

^{۱۵}. Negligent

شود. در این بین هم تیمی هاکیبارت توپ را به سمت وسط زمین هدایت می‌کند و کلاک در این فاصله ضربه‌ای با آرتچس به‌طور ارادی به پشت سر چکرابیت می‌زند.

پس از اقامه دعوی دادگاه ادعای تعرض و ضرب و جرح را رد کرد، چون تماس در طول یک مسابقه فوتبال ممنوع رخ داده بود که در آن خشونت مطابق قوانین بازی و با نظر داوران قابل اغماض است. دادگاه تجدیدنظر این حکم را رد کرد و رأی داد که سوء رفتار بی پروایانه نباید مطابق قانون مجاز شناخته شود.^{۱۹}

چدا از استناد به تئوری‌های مسئولیت کامن لاء در موضوع تعرض و ضرب و جرح، دادگاه شعبه دهم تجدیدنظر آمریکا به ماده ۵۰۰ مسئولیت مدنی حقوق کولورادو استناد و تصریح می‌کند که شخص در صورتی که از خود سوء رفتار نشان دهد که فراتر از بی‌مبالاتی باشد و به دیگری آسیب برساند مسئول شناخته می‌شود (Citron, 2002, p13).

هم‌چنین به‌موجب ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ « هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتنی یا به هر حق دیگری که به‌موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد». قانون‌گذار بیان نموده است که هرگاه شخصی در نتیجه بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی عمدی آسیبی به دیگری وارد آورد می‌بایست جبران خسارت نماید و هیچ ضرری نباید بدون خسارت باقی بماند بنابراین زمانی که در ورزش خسارتی به شخص یا اموال وارد می‌آید در صورت خلاف قانون می‌بایست جبران گردد.

۴- لزوم جبران زیان‌های مالی

اگر در حادثه ورزشی، خسارتی وارد شد و ارکان مسئولیت مدنی موجود بود آن خسارت باید جبران شود حتی اگر فعالیت ورزشی دقیقاً مقررات مربوطه انجام شده باشد. لیکن از آنجاکه به‌موجب اصل مزبور، چاره‌ای جز اقدام به جبران خسارت‌های ورزشی نیست، پس لزوم جبران خسارات ورزشی هم به‌خودی‌خود می‌تواند مانعی بر سر راه توسعه ورزش و فعالیت‌های ورزشی در جامعه باشد و این دو (لزوم جبران خسارت ورزشی و گسترش ورزش) نیز باهم در تعارض خواهند بود. لذا باید به لحاظ اهمیت امر ورزش و گسترش آن در جامعه، این تعارض را به‌گونه‌ای رفع کرد، خوشبختانه برای رفع این تعارض هم چاره‌اندیشی شده و در این راستا بیمه حوادث ورزشی را به حوزه فعالیت‌های ورزشی وارد کرده‌اند تا از این طریق، هم مانع سر راه گسترش ورزش، برطرف گردد و هم

خسارات ناشی از فعالیت‌های ورزشی، خواه قابل انتساب به دیگران باشد و خواه نباشد، جبران نشده باقی بماند. بر این اساس هر ورزشکاری که بخواهد رسماً فعالیت ورزشی کند باید بیمه ورزشی باشد تا در مواقع لزوم از طریق بیمه خسارت‌های وارده ناشی از ورزش، جبران شود از همین رو تکلیف و وظیفه‌ای که به عهده مربیان، مدیران و مسئولین ورزشی قرار می‌گیرد این است که به‌هیچ‌وجه نباید اجازه دهند ورزشکاران بدون این‌که بیمه ورزشی شده باشند به فعالیت ورزشی بپردازند.

لازم به ذکر است در مورد جبران زیان‌های مالی ناشی از فعالیت‌های ورزشی، برخی بین علت یا علل ورود خسارت، تفکیک قائل شده و جبران خسارتی که در نتیجه خطرهای عادی و قابل پیش‌بینی به وجود آمده باشد را منتفی اما جبران خسارت ناشی از خطرهای غیرقابل پیش‌بینی را لازم می‌دانند. ایشان نمونه خطرهای قابل پیش‌بینی را صدمات ناشی از توپ‌های خطا و بی‌هدفی که در ورزش‌های توپی زده می‌شود و ممکن است به تماشاگران برخورد کند معرفی می‌کنند و نمونه خطرهای قابل پیش‌بینی را حمله بازیکن بیس بال به تماشاگر هتاک در جایگاه تماشاگران می‌دانند (حسینی افروز، پیشین، ص ۵۳).

۵- نتیجه‌گیری

یکی از دلایلی که حوادث ناشی از عملیات ورزشی جرم به حساب نمی‌آیند، پذیرش خطر به صورت ضمنی است. گاهی این عملیات منجر به صدمه یا آسیب جسمی می‌گردد که به دلیل همین پذیرش خطر و رضایت رزمی کار متضرر، مرتکب را از هرگونه مسئولیت مدنی و کیفری مبرا می‌کند. اما گاهی این آسیب از سر عمد، بی‌مبالاتی و تقصیر ناشی از فعل رزمی کار مرتکب است که در این حالت موجب مسئولیت وی می‌گردد. از این رو نتیجه این نقض مقررات جبران آن یعنی پرداخت دیه است. زیان دیده صرفاً می‌تواند از مقصر دیه مطالبه کند آن هم مشروط بر آن که ۱- مرتکب مقررات آن ورزش را نقض کرده باشد. ۲- تقصیر مرتکب احراز شود. در حقوق کامن لاء نظریه پذیرش خطر پذیرفته است این در حالی است که در محاکم ایران ظاهر صرفاً تقصیر معیار است.

پیشنهادات

رزمی‌کار باید با قوانین تعرض و ضرب و جرح به هنگام کاربرد فنون رزمی هم در داخل باشگاه و هم در خیابان آشنا باشند. شاگردان باید آموزش ببینند که ضربات دفاع از خود را در خیابان‌ها طوری استفاده کنند که با مشکل قانونی مواجه نشوند. این آموزش بر عهده استادان و مربیان و فدراسیون‌های رزمی است. چنانچه استادان و مربیان در آموزش خود کوتاهی نموده باشند مسئولیت جبران خسارت را بر عهده‌دارند و چنانچه

ورزشکاری در حین بازی خسارتی به دیگری وارد آورد از آنجایی که بدون قصد باشد مسئولیتی ندارد اما چنانچه از وی قصد آسیبی به دیگری وارد نماید طبق ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ مسئولیت جبران خسارت را بر عهده دارد. اما با توجه به تمام موارد فوق الذکر و علاوه بر اینکه بیمه ورزشی پزشکی اهمیت چندانی ندارد، بهترین راه حل برای حل این مشکل بسیار اساسی بیمه کردن باشگاهها و همچنین اخذ بیمه دیه بی نام برای باشگاه و مراکز برگزاری مسابقات است.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت داری در استناد به متون و منابع فقهی و قانونی و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: در تدوین این مقاله، هیچ نوع تعارض منوابعی وجود نداشته است.

منابع:

کتاب

- احسنی فروز(۱۳۹۱)، محمد، «حقوق ورزشی»، موسسه انتشارات دادگستر، چاپ اول،
-اردبیلی، محمدعلی(۱۳۹۳)، «حقوق جزای عموم»، جلد اول، انتشارات میزان، چاپ بیست و ششم
-چلبی، البرز(۱۳۸۹)، «حقوق ورزشی»، انتشارات جنگل، جاودانه، چاپ اول،
-شعبانی مقدم(۱۳۸۸)، کیوان، حمیدرضا طاهری و بهرام یوسفی، «حقوق ورزشی»، انتشارات اندیشه‌های حقوقی
-صفایی، سید حسین و دکتر حبیب... رحیمی(۱۳۹۳)- «مسئولیت مدنی»- انتشارات سمت
-عبدالمعلی آبادی، عبدالحسین(۱۳۹۲)، «حقوق جنایی»، جلد اول، تهران، انتشارات فردوسی،
-سید مرتضی قاسم زاده(۱۳۸۷)، «مبانی مسئولیت مدنی»، چاپ پنجم، نشر میزان، تهران،

-کاتوزیان، ناصر(۱۳۶۹)، «حقوق مدنی، ضمان قهری»-مسئولیت مدنی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران،
کاتوزیان، ناصر(۱۳۸۶)؛ «الزامهای خارج از قرارداد»- ضمان قهری- مسئولیت مدنی- غضب و استیفاء، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۸.

مقالات

یوسفی صادق، احمد، نصیر مژگان(۱۳۹۷)، مبنای مسئولیت مدنی ورزشکاران در مقابل اشخاص موضوع حقوق ورزش، فصلنامه تحقیقات حقوق کیفری و خصوصی، شماره ۳۸

پایان نامه

آراز مهر(۱۳۹۵)، دفاع مشروع از غیر و نقش آن در مسئولیت مدنی، کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی، دانشگاه کاشان

-Beale, Joseph H. (June 1903). "Retreat from a Murderous Assault". Harvard Law Review.

-Carl Brown, The law and martial artst, Barnes&Noble, 1998

-Consent in Criminal Law: Violence in Sports, 75 Mich. L. Rev. 148, 150 n. 12, 162-63 (1976).

-F. V. Harper and F. James, Jr., The Law of Torts, '3.10, (1956)

-Draeger and Smith, Asian Fighting Arts 85 (1974).

-Jeffrey A. Citron, CIVIL LIABILITY IN THE ARENA OF PROFESSIONAL SPORTS, 2002, Goodmans LLP publishers, Toronto Canada,

-Matthew Round, Guide book out-lining the 10 most common street attacks that occurs in the U.K., Kajaani University of Applied Sciences, 2013

- W. L. Prosser, Handbook of the Law of Torts, ' 2, at 7-9 (4th ed. 1981)

-Noah Nunberg, J.D. Civil and Criminal Liability: The Martial Artist's Potential, Part I, Journal of Asian Martial Arts, Vol. 10 No. 4 (2001)